

مقدمه

انسان به تبع زندگی اجتماعی خود همواره در حال تغییر دادن وضعیت موجود خویش است. این تغییر و تحول در تمام عرصه‌ها دیده می‌شود و او در این راستا به تعیین چارچوبهایی می‌پردازد تا بتواند در پناه آن، تغییر و تحولات را آن‌گونه که اراده می‌کند، هدایت نماید، چه اینکه سیر طبیعی زندگی اجتماعی و نیازهای آن مستلزم تغییر قهقرایی وار می‌باشد.

یکی از عرصه‌هایی که از تغییر مصون نمانده است، با آنکه به شکل کنونی جدید می‌باشد، روابط اشخاص خصوصی در بین دولتهای مختلف است. با توجه به نیاز انسان، که رو به گسترش است، روابط او نیز تحت تأثیر آن گسترده‌تر از قبل گردیده است. اگر مرزها را فقط در چارچوب مادی آن در نظر بگیریم، امروزه بر اثر گستردگی روابط، این مرزها رو به نادیده گرفتن است. زندگی جوامع انسانی، نه فقط از نگاهی که همه بشر را متعلق به دهکده‌ای جهانی^۱ می‌داند، بلکه از دیدگاه اسلامی فراتر از آن، یعنی برادری انسانها «انَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۲ در حال تحقق است، بنا بر این نظر، همه انسانها نه متعلق به یک دهکده، بلکه متعلق به یک خانواده می‌باشند.

با آنکه کشمکشهای بین‌المللی بین اربابان قدرت در جریان است، کسی منکر هم‌گرایی و هم‌نوایی جوامع انسانی در حمایت از فعالیتهای انسان‌دوستانه نیست، حتی اگر روابط دولتهای آنها قطع شده یا به سردی گراییده باشد. بارها نظاره‌گر کمکهای انسانی در حوادث و بلاهای طبیعی و حتی، در غیر آن، برای غلبه بر ظلم،

1. village global

۲. حجرات: ۱۰.

تجاوز و مبارزه با حکام مستبد بوده‌ایم؛ گرچه اینها نمونه‌های ملموس هستند، باز هم مواردی وجود دارد که بر ما عیان نیست، اما در دل و جان انسانها این ابراز محبت و دوست داشتن، فارغ از مواضع حکومت‌هایشان، وجود دارد که این همان سخن معروف سعدی است:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

بنابراین، اندیشه‌ها و احساسات انسانی مرزها را درنوردیده و انسانها روابط خویش را در قلمرو سرزمینی خاص محصور نمی‌دانند. در این فرایند، قسمتی از اعمال و رفتارهای او تحت عنوان خاص «حقوق بین‌الملل خصوصی» چارچوب‌بندی شده است. اشکال روابط جوامع انسانی به تبع نیازهای او بسیار متنوع بوده و قسمتی از آن بین اشخاص، اعم از حقیقی و حکمی، جاری و ساری است و این روابط تحت این عنوان نظام‌مند گشته‌اند و قریب به اتفاق کشورها نیز بسته به نگرش خود یکی از قواعد آن را می‌پذیرند و محترم می‌دانند. البته، پذیرش تمام این قواعد، که از رفتارهای مشابه کشورها ایجاد شده است، الزامی را برای آنها ایجاد نمی‌کند به این دلیل که چارچوب شکل گرفته در عرصه بین‌الملل چنان یکپارچه و منسجم نیست تا توجیه‌کننده چنین الزامی باشد. از این جهت، هر کشوری با توجه به اقتضائات خود یکی از راهها را در جهت حفظ نظم خویش در پیش می‌گیرد که این موضوع باعث می‌گردد تا قواعد موجود در بین کشورها در خصوص نظام حاکم بر حقوق بین‌الملل خصوصی تنوع یابد؛ اما از آنجا که نظم امری مشترک بین دولتهاست، باید از تنوع بی‌حد و حصر این قواعد کاسته شود.

این تنوع نگرش به قواعد موجود در حقوق بین‌الملل خصوصی باعث می‌گردد تا بر معرفی آن همت گمارند و از این طریق مورد احترام قرار گیرد و نظم حاکم بر روابط اشخاص در عرصه بین‌الملل نیز تداوم یابد و همچنان به سوی تکامل طی طریق نماید.

لذا این موضوع ما را بر آن داشت تا، در کنار قواعد کلی، قواعد پذیرفته‌شده نظام حاکم بر حقوق بین‌الملل خصوصی افغانستان، به عنوان یکی از اعضای جامعه

بین‌المللی، و گاهی قواعد بعضی از کشورهای دیگر را برای اتباع افغانی در ارتباط با اتباع خارجی و برعکس بنگاریم تا روشنایی‌بخش روابط و حلال منازعات احتمالی ناشی از ناآگاهی از قواعد چنین نظامی باشد.

نظام حقوقی افغانستان، اصصاً حقوق بین‌الملل خصوصی، به علت جوان و جدید بودن، حتی در عرصه بین‌الملل، سالیان متمادی است که در فاکولته‌های حقوق پوهنتونها ارائه می‌شود اما نگارش نیافته است تا نقاط قوت و ضعف آن آشکار شود و بر استدلال‌های حقوقی حاکم بر آن افزوده گردد و در پرتو اندیشه‌های متخصصان بر زدودن کاستیهای احتمالی همت گذاشته شود. از این لحاظ این احساس وجود داشت تا در حد توان علمی خود این قسمت از علم حقوق را، که امروزه بسیار گسترده‌تر از گذشته گردیده است و نیاز مبرم نیز به آن وجود دارد، به تحریر در آوریم و در اختیار جامعه علمی کشور قرار دهیم.

آنچه در مقابل شماست حاصل مطالعاتی است که در این خصوص انجام گرفته و در قالب کتاب در دسترس متخصصان و علاقه‌مندان، اعم از اساتید، محققین، قضات، ثارنوالان، وکلای مدافع و محصلین قرار گرفته است تا این مجال نیز فراهم گردد که استادان فن نیز دست به قلم برند و در تکامل آن از مساعدت خویش دریغ نمایند، چه آنکه بر کسی پوشیده نیست که تکرر اندیشه باعث پختگی می‌شود و بنیانهای علمی را تقویت می‌نماید.

همچنین، در عرصه علم، هیچ شخصی مدعی بی‌کاستی اثر خویش نیست، چه‌اینکه قسمت اعظم این کاستی ناشی از تغییر و تحول در جوامع و عرصه‌های علمی می‌باشد که گذر زمان اندکی از جدید بودن آن کاسته و کاستیهایی در آن به وجود آورده است. بنابراین، این اثر نیز ممکن است دارای کاستیهایی باشد اما آگاهی بر کاستی خود گامی است در جهت قلم به دست گرفتن برای رفع آن و این همان حرکت علمی است که متأسفانه در جامعه علمی کشور ما به دلایل مختلف دور مانده است. همان‌طور که ما در این اثر سعی در تکمیل کردن آثار دیگران داشته‌ایم، از اندیشمندان دیگر نیز می‌خواهیم که در تقویت این اثر بکوشند و منتظر

حرکت دیگران ایستاده نشوند، چه اینکه ممکن است دیگران نیز در چنین انتظاری باشند و این نتیجه‌ای جز جمود علمی نخواهد داشت که باعث فاصله بیشتر کشور با دیگر کشورها می‌گردد.

در این کتاب، سعی شده است که حقوق بین الملل خصوصی و تعارض قوانین، به جهت سهولتهایی که در پی خواهد داشت، در یک مجلد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همچنین، در این راستا تلاش صورت گرفته است تا به منابع موجود و در دسترس مراجعه شود و در ذکر مطالب نیز امانت‌داری علمی، که پایه تحقیق است، مراعات گردد تا به حقوق نویسندگان این آثار که برای اثر خویش تلاشهای علمی و فوری انجام داده‌اند احترام گذاشته شود.

عبدالواحد افضلی و محمداسحق رحیمی

تابستان ۱۳۹۱